



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۴ آبان ۱۴۰۳

موضوع کلی: سوره بقره

مصادف با: ۲ جمادی الاول ۱۴۴۶

موضوع جزئی: آیه ۵۸ و ۵۹ - بخش‌های پنج‌گانه آیه ۵۸ - بخش اول: «و إِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ» -

جلسه: ۱۰

مطلب سوم: احتمالات چهارگانه در قریه - احتمال دوم: اریحا - احتمال سوم: منطقه شامات -

نظر برگزیده

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در آیه ۵۸ عرض کردیم چند بخش وجود دارد؛ بحث در بخش اول بود. در بخش اول تا اینجا سه مطلب بیان شد، البته مطلب سوم هنوز به پایان نرسیده است. موضوع مطلب سوم این بود که منظور از قریه در آیه «و إِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ» کدام است؟ چهار احتمال در مورد قریه وجود دارد؛ البته گفتیم یک احتمال قائلی ندارد و مفسرین از جمله فخر رازی به قائل به آن اشاره‌ای نکرده است. اما آن سه احتمال دیگر قائل دارد. احتمال اول این بود که منظور بیت المقدس باشد؛ قرائنی بر این احتمال وجود دارد و این قرائن را ذکر کردیم. در حد احتمال می‌توانیم این را بپذیریم اما شاهدی که این احتمال را متعین کند، وجود ندارد.

ادامه مطلب سوم

احتمال دوم: اریحا

احتمال دوم این است که منظور از قریه، اریحا باشد؛ کسانی که این احتمال را پذیرفته‌اند از جمله ابن عباس و ابی‌زید، به دلایلی تمسک کرده‌اند. اریحا جایی است نزدیک بیت المقدس که الان هم گویا با همین نام باشد؛ حالا اینکه این همان اریحا است یا جای دیگری است که به این نام نامیده شده، معلوم نیست؛ اما الان یک شهر کوچکی به نام اریحا داریم که در همان مناطق واقع شده است.

دلیل

دلیلی که در تقویت این احتمال ذکر شده، این است که به دنبال امر به دخول در این قریه و دستورات بعدی و در آیه ۵۹ خداوند متعال می‌فرماید: «فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا»، این اقتضای تعقیب دارد؛ یعنی تبدیل دستور خداوند به اینکه هنگام ورود از این باب با حالت خضوع و خشوع وارد شوید «و قولوا حطّة»، در زمان حیات حضرت موسی واقع شده است؛ یعنی حضرت موسی در قید حیات بود و این دستورات را ابلاغ کرد، آنها آن را تبدیل کردند. بنابراین تبدیل باید در زمان حضرت موسی واقع شده باشد. در حالی که حضرت موسی داخل در بیت المقدس نشد؛ قبل از آنکه وارد بیت المقدس شود، از دنیا رفت. بنابراین منظور از قریه نمی‌تواند منظور بیت المقدس باشد. اینها نفی کرده‌اند احتمال اینکه این بیت المقدس باشد؛ در واقع این یک اشکالی به احتمال اول است که جلسه گذشته اشاره شد.

پاسخ قائلین به احتمال اول

دفاعیه‌ای هم قائلین به احتمال اول در برابر این دلیل دارند؛ می‌گویند: امر به دخول و ورود به این قریه و نیز استفاده از

نعمت‌ها و آن دو دستور بعدی، به زبان حضرت موسی نبوده است؛ خداوند هم اینجا نمی‌گوید ما به موسی دستور دادیم که او به مردم بگوید یا به یوشع دستور دادیم که او به مردم بگوید. آیه از این جهت ساکت است که این دستور به زبان چه کسی خطاب به بنی‌اسرائیل صادر شده است. چون احتمال دارد که بعد از وفات حضرت موسی، خداوند به یوشع که وصی حضرت موسی بود، دستور داده که به مردم بگو وارد این قریه شوند و از نعمت‌های آن استفاده کنند و بعد آن دستورات دیگری که در این آیه به آن اشاره شده است. اگر ما آیه را این چنین معنا کنیم، هیچ مانعی وجود ندارد که بگوییم منظور از قریه در این آیه، بیت‌المقدس بوده است. به هر حال این پاسخی است که طرفداران احتمال اول به ملتزمین به احتمال دوم داده‌اند. به این دلیل و پاسخ فخر رازی در تفسیر کبیر اشاره کرده است.^۱

پس یک احتمال این است که منظور از قریه، اریحا باشد؛ همانطور که قبلاً هم اشاره شد، فیض کاشانی هم با استناد به روایتی از تفسیر منسوب به امام عسکری (ع)، قریه را بر اریحا تطبیق داده است.^۲ باز هم مسئله فراتر از احتمال نمی‌رود؛ یعنی حتی در مورد اریحا هم ما ممکن است بگوییم این صرفاً یک احتمال است.

احتمال سوم: منطقه شامات

از آنجا که یک احتمال یعنی مصر را کنار گذاشتیم و گفتیم قائل ندارد، لذا سه احتمال اصلی وجود دارد؛ یکی بیت‌المقدس، دوم اریحا و سوم اینکه منظور مجموعه آن سرزمین که شامل منطقه شامات می‌شود. منطقه شامات از قدیم به عنوان مهد پیامبران الهی و منطقه ظهور ادیان بزرگ بوده است. اینجا که خداوند می‌فرماید «ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ» در واقع می‌خواهد بگوید به آن سرزمین وارد شوید؛ همانطور که اشاره کردم، این احتمال طرفدارانی دارد.

دلیل

دلیل آنها هم این است که وقتی امر به ورود به آن منطقه شد، آنها گفتند ما وارد نمی‌شویم و خودداری کردند از اینکه وارد آن منطقه شوند. بهانه آنها این بود که یک قومی به نام عمالقه در آن منطقه بودند و اینها شهادت نداشتند که با آنها بجنگند و در حقیقت می‌ترسیدند از مواجهه و مقابله با آنها، لذا خودداری کردند از رفتن به آنجا. این ارض مقدس در واقع یک منطقه وسیعی است که این قریه بخشی از آن محسوب می‌شود؛ بهانه‌هایی که اینجا برای عدم اطاعت ذکر می‌کنند، غیر از بهانه‌هایی است که قبلاً ارائه می‌کردند. اینجا الان بهانه نیاوردند که ما وارد نمی‌شویم و جنگ نمی‌کنیم؛ این قبلاً بوده و در آن آیه که جلسه گذشته خواندم که «ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ» این بهانه‌ها متفاوت با بهانه‌ای است که قبلاً برای ورود به سرزمین مقدس می‌آوردند. آنجا بهانه‌شان ترس از عمالقه بود؛ بهانه اینها در اینجا امور دیگری است. لذا وقتی خداوند می‌گویند این کار را بکنید «قولوا حطة»، مثلاً به جای اینکه آن امر خدا را اطاعت کنند، قول دیگری ذکر می‌کنند.

بررسی احتمال سوم

به هر حال احتمال اینکه منظور از قریه، آن سرزمین وسیع و بزرگ شامات که شامل سوریه و فلسطین و بعضی مناطق دیگر بوده است، چندان نمی‌تواند مقبول باشد. برای اینکه از سرزمین وسیع تعبیر به «هذه القرية» نمی‌شود. «هذه القرية» اشاره به یک مکان خاصی دارد. اطلاق قریه بر منطقه وسیع غیر متعارف است. لذا احتمال اینکه منظور از «هذه القرية» منطقه شامات

۱. تفسیر کبیر، ج ۳-۴، ص ۸۸.

۲. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۲۰.

باشد، احتمال ضعیفی است.

نظر برگزیده

بنابراین از مجموع این چهار احتمال، دو احتمال ضعیف است که کنار گذاشته می‌شود؛ یکی اینکه منظور مصر باشد و دیگر اینکه مجموعه شامات را شامل شود. این دو احتمال به نظر می‌رسد چندان قابل پذیرش نیست. دو احتمال دیگر باقی می‌ماند؛ یکی بیت المقدس و یکی هم اریحا. هر کدام از اینها شواهد و قرائنی در تأیید آنها وجود دارد؛ لکن اینکه ما بخواهیم یکی از این دو احتمال را بر دیگری ترجیح بدهیم، واقعاً دشوار است. این نیاز به شواهد تاریخی دارد که چنین شواهدی را به صورت محکم نداریم. مرحوم فیض با استناد به یک روایتی آن را منطبق بر اریحا کرده است؛ اگر ما مجبور به اختیار یک احتمال شویم از بین این دو احتمال، شاید احتمال اینکه ما این قریه را اریحا بدانیم، از بیت المقدس بیشتر باشد؛ ضمن اینکه هر دو شواهدی دارند. عمده این است که این دستورات ظاهراً به زبان حضرت موسی بیان شده است. منتها این هم یک مشکلی دارد؛ اینکه از زبان حضرت موسی باشد، باید بگوییم این را موسی فرمود اما قبل از ورود به بیت المقدس، حضرت موسی از دنیا رفت. بعد یوشع آن منطقه را فتح کرد و بعد از آن، بنی اسرائیل از طریق اریحا وارد این منطقه شدند. این یک احتمالی است که به گفته برخی، بعضی از فرازهای تورات هم شاید با آن موافق باشد.

شاهد دیگری که احتمال دوم را تقویت می‌کند، این است که بیت المقدس در زمان حضرت موسی وجود نداشته است؛ برخی از مفسرین با استناد به گزارش‌های تاریخی، می‌گویند بیت المقدس را حضرت سلیمان که از احفاد حضرت موسی بود، احداث کرد؛ اصلاً زمان حضرت موسی بیت المقدس وجود نداشته و این بعدها احداث شده است. وعده‌هایی هم که خداوند برای این سرزمین داده، در واقع مربوط به خود حضرت موسی و بنی اسرائیل موجود در آن دوران نبوده است؛ بلکه مخاطب آن، نسل‌های بعدی بنی اسرائیل و فرزندان آنها بوده‌اند که این را حضرت موسی برای آنها به اعتبار آینده نقل می‌کرده است. لذا شاید به توجه به مجموعه این نکات بتوانیم بگوییم «هذه القرية» در این آیه همان اریحا باشد و نه بیت المقدس.

بحث جلسه آینده

بخش دوم یعنی «فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا» را در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»